

فقه / رضاع ..... ۱۴۳۹/۵/۲ - ۱۳۹۶/۱۰/۳۰ - ۶۴

صور اکراه یا اضطرار مرضعه :

صورت ۷ - سبب رضاع زوجه کبیره باشد ، و مکروه بر رضاع باشد و برای زوجه صغیره مهر المسمى تعیین شده باشد .

صورت ۸ - سبب رضاع زوجه کبیره باشد ، و مکروه بر رضاع باشد و برای زوجه صغیره مهر تعیین نشده باشد .

شهید ثانی رحمه الله علیه این صورت را در ضمن صورت پنجم بیان فرموده اند :

الخامس : أن تكون الكبيرة مكرهة على الارضاع ، بأن حملها عليه القادر على فعل ما توعددها به ، مع ظنها فعله ، و استلزامة ضررا لا يتحمل لمثلها عادة ، و إن لم يبلغ الإكراه حد الإلجاء .

اکراه از نظر حکم به دو صورت تقسیم می شود :

صورت ۱ - مکروه زوج باشد ؛

که در این صورت مهر ساقط نمی شود و زوج متحمل مهر می باشد زیرا که خود زوج سبب حرمت نکاح وی با رضعیه شده است .

صورت ۲ - مکروه غیر زوج باشد ؛

قبل از بیان تفصیلی این صورت و تبیین حکم آن ابتداء به بیان معنای اکراه و شرائط آن می پردازیم :

شهید ثانی رحمه الله علیه برای اکراه چند قید ذکر می کند :

قید ۱ - بر مکروه<sup>ه</sup> فعل تحمیل شده باشد نه این که فی نفسه چاره ای جز انجام فعل برای مکروه علیه نباشد .

قید ۲ - باید مکروه قدرت بر وعید خود داشته باشد .

قید ۳ - مکروه<sup>ه</sup> علیه باید لا اقل ظن به انجام وعید توسط مکروه داشته باشد .

قید ۴ - وعید مکروه باید به نحوی باشد که عادة<sup>ه</sup> برای امثال مکروه علیه قابل تحمل نباشد .

و اگر وعید مکره قابل تحمل برای مکره علیه باشد صدق اکراه نمی کند لا اقل حکم اکراه جاری نمی شود.  
بعد برای اکراه دو درجه بیان می کنند :

درجه خفیفه : که اکراه به حد الجاء نرسد یعنی فعل مورد وعید قابل تحمل است اما با صعوبت که امثال مکره علیه عادتاً متحمل چنین وعیدی نمی شوند .

درجه شدیدة : که اکراه به حد الجاء برسد به این معنا که به حدی اکراه شدید باشد که انجام فعل مکروه از مکلف غیر اختیاری می شود .

و نیاز نیست برای صدق حکم اکراه ، اکراه به درجه شدیدة برسد بلکه درجه خفیفه نیز کافی است .

و مراد از ضرری که در کلام شهید ذکره است اعم از ضرر وجودی مانند ضرب و عدم منفعت ضرری مانند سلب نفقه زوجه مثل طعام یا مسکن می باشد .

و اگر اکراه تمام شد دیگر مرضه ضمانی ندارد .

استاد :

از نظر معنای اکراه فرمایش شهید در این باب از جهت صدق اکراه متین است الا اینکه :

اولا - در این نکته ( مع ظنهما فعله ) که برخی از علماء در این قید سوم صرف احتمال عقلایی ضرر را برای صدق اکراه کافی می دانند که بعید نمی باشد این کلام اتقن باشد .

ثانیا - در قید چهارم شهید ثانی قدس سره عدم تحمل عادی را در اکراه مطرح می فرمایند و بجا بود که تذکر به این معنا داده شود که برخی علماء می فرمایند : مکره علیه در مقام عمل باید بین فعلی که بر آن اکراه شده و وعیدی که مکروه است بسنجد و رعایت اهم محذورین را لحاظ کند که رعایت این معنا موردی و بسیار دقیق است .

و اگر فعل مکره و وعید نزد مکره علیه از نظر محذور و اهمیت مساوی باشد مکره علیه بین فعل مکره و وعید مخیر است زیرا که حکم رفع اکراه امتنانی است و امتنان با حکم بر لزوم فعل مکره در صورت تساوی نزد مکره علیه منافات دارد .

اما از نظر ضمان مرحوم علامه در تذکره جلد ۲ صفحه ۶۲۴ دو مطلب را به شافعیه نسبت می دهد :

لو أرضعت بتخويف الغير فالغرامة عليها في أصح وجهي الشافعية والثاني انه على المخوف

که در روضة الطالبین جلد ۶ صفحه ۴۳۴ این چنین مذکور است :

فرع - أكرهت على الارضاع ، فهل الغرم عليها ، أم على المكره ؟ وجهان ، أصحابهما : عليها ، قاله الروياني .

مرحوم علامه قولی را اختیار نکرده است و نظری مطرح نکرده اند و مردد باقی مانده است .

مرحوم صاحب شرایع ، محقق در ضمان مرضعه در تمام این اقسام تردد دارند من جمله در مورد اکراه .

مرحوم شهید می فرماید وجه تردد این است که تفویت بضع مورد ضمان است یا خیر ؟

اما در مسالک می فرماید (ولا ضمان هنا على المرضعة ، لأن الإكراه يسقط ضمان المال المحقق (محض) ، وغاية البضع إلحاقه بالمال . وأما ضمان الزوج للصغيرة فثابت على كل حال .

در اکراه ، زوج علی ای حال ضامن مهر است زیرا که زوجه صغیره سبب نشر حرمت نبوده و نهایتاً شخص

مکره ضامن مهری است که زوج پرداخت کرده و غرامت را باید به زوج بپردازد .

و در اکراه علی ای حال مرضعه ضامن نمی باشد .

مرحوم صاحب حدائق در جلد ۲۳ صفحه ۴۱۷ کلام شهید را نقل می کند و بعد می فرماید :

أقول : لا يخفى أن هذه التفريعات في هذا المقام كغيره مما قدمناه في كثير من الكتب المتقدمة إنما جرى فيه أصحابنا على ما ذكره العامة سيما الشافعية فإنهم هم الذين يكثر النقل عنهم في التذكرة ، وقبله الشيخ في كتبه فيختارون من ذلك ما رجحوه بهذه التعليقات التي قد عرفت أنها لا يمكن الاعتماد عليها في تأسيس الأحكام الشرعية ، ونصوصنا خالية من ذلك بالكلية ، والعمل على الاحتياط في مثل هذا المقام فإنه هو المأمور به عنهم عليهم السلام ، والله العالم .

لذا در این موارد صاحب حدائق قائل به احتیاط شده است .